

زبان فرمولواره‌ای و نقش آن در آموزش زبان فارسی

مجتبی کاوه*

آزینا افراشی**

چکیده

این جستار پژوهشی است توصیف‌بنیاد که به معرفی، توصیف، و تحلیل عبارت‌های فرمولواره‌ای و انواع اصلی آن در فارسی می‌پردازد. فرمولواره‌ها دو گونه‌ی اصلی دارند؛ فرمولواره‌های ثابت (پیش‌ساخته) توالی‌هایی هستند که به‌طور یکجا فراگرفته، به‌طور یکجا ذخیره می‌شوند و به‌طور یکجا بکار می‌روند. دیگری، فرمولواره‌های زایا (نیمه‌پیش‌ساخته) هستند که هم دارای عناصر ثابت و هم برخی جایگاه‌های تُهی هستند که توسط عناصری از مقوله واژگانی مشخص پُر می‌شوند. داده‌های پژوهش از پایگاه داده‌های زبان فارسی، وب‌گردی، زنجیره‌های تلویزیونی، و مشاهدات شخصی گردآوری شده است. این پژوهش به سؤالاتی از این قبیل می‌پردازد که فرمولواره‌ها در چه بافت‌هایی، و با چه معنایی بکار می‌روند و فراگیری آن‌ها چگونه می‌تواند به رفع مشکل روانی گفتار فارسی‌آموزان بیگانه کمک کند. گوناگونی داده‌ها نشان می‌دهد فرمولواره‌ها تقریباً در تمامی بافت‌های اجتماعی-فرهنگی و غالباً در معنای اصطلاحی بکار می‌روند. در ادامه بر مبنای انگاره پردازش دوسطحی به چگونگی پردازش فرمولواره‌ها پرداخته‌ایم. پس از تحلیل ساختار درونی و ارائه نمونه‌های متعدد از فرمولواره‌ها و دسته‌بندی جایگاهشان در گفتمان، به توصیفی دست‌یافتیم که راه را برای فراگیری آن‌ها در آموزش زبان فارسی هموار می‌کند.

* دانشجوی زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)،

wtkaveh@gmail.com

** دانشیار زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، a.afraشي.ling@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۸

از آنجایی که بر مبنای هر فرمولواره زایا می‌توان بی‌نهایت عبارت جدید خلق کرد بنابراین فراگیری آن‌ها می‌تواند کمک شایانی به سلاست گفتاری زبان‌آموزان کند.

کلیدواژه‌ها: زبان فرمولواره‌ای، عبارت‌های فرمولواره‌ای، فرمولواره‌های ثابت، فرمولواره‌های زایا، توصیف ساختاری، توصیف معنایی.

۱. مقدمه

زبان فرمولواره‌ای (formulaic language) پدیده ایست که در چند دهه گذشته توجه پژوهشگران بسیاری را در حوزه‌های مختلف از جمله فرهنگ‌نگاری، ترجمه، آموزش زبان، تحلیل گفتمان و غیره به خود جلب کرده است. فرمولواره‌ها (formulae) توالی‌ای پیوسته و یا گسسته از واژه‌ها و یا دیگر عناصر زبانی‌اند که آماده و از پیش ساخته شده می‌باشند و به نظر می‌رسد به‌طور یکجا فراگرفته می‌شوند، به‌طور یکجا در حافظه ذخیره می‌شوند و در هنگام استفاده به‌جای اینکه توسط دستور زبان تولید و تحلیل شوند به‌صورت واحدی کلی از حافظه بیرون کشیده می‌شوند. برخی از فرمولواره‌ها دارای تعدادی جایگاه‌های خالی (open slots) و برخی عناصر ثابت (fixed elements) می‌باشند که توسط عناصری از مقوله‌های واژگانی خاص تکمیل می‌گردند. مطالعه فرمولواره‌ها در حقیقت بررسی سازوکارهایی است که زبان برای رهایی از تکلف تولید و پردازش عبارات جدید و خلق‌الساعه در خود تنیده است. اگرچه زبان‌شناسی زایشی مدعی است که تنها با دانستن واژگان و تعدادی قواعد دستوری می‌توان از پس هر موقعیت ارتباطی برآمد، اما در عمل می‌بینیم که زبان‌های بشری تمایلی به این سازوکار نشان نمی‌دهند و بجای آن می‌کوشند تا حجم بسیار عظیمی از عبارت‌های از پیش ساخته شده را به ذهن بسپارند تا در لحظه کاربرد بتوانند این عبارت‌ها را بدون نیاز به تولید، از ذهن استخراج نموده بکار ببندند. به باور نگارنده این وضعیت نشان‌دهنده این واقعیت است که زحمت تولید و پردازش عبارات بدیع به حلی است که زبان‌ها به خاطر سپردن حجم گسترده‌ای از عبارات پیش‌ساخته را بدان ترجیح می‌دهند. جستار پیش رو پژوهشی است که ضمن معرفی این موضوع و ارائه مثال‌هایی برگرفته از پیکره، نقش آن را در آموزش زبان فارسی برجسته می‌کند.

مواد زبانی که توسط گویشوران به کار گرفته می‌شوند به یکی از گونه‌های زیر می‌باشند؛

الف) عبارات بدیع

(ب) عبارات پیش‌ساخته (از قبل موجود)

(ج) ترکیب و تناوبی از دو مورد بالا

عبارت‌های بدیع (novel) بر اساس ویژگی زبانی تولید می‌شوند که موضوع بسیاری از مطالعات زبان‌شناختی در چند دهه گذشته بوده است.

اما بخش قابل توجهی از گفتار گویشوران را ساخت‌هایی تشکیل می‌دهد که از قبل در ذهن گویشور ذخیره هستند و در هنگام استفاده بجای اینکه توسط دستور زبان تولید شوند به‌طور یکجا از حافظه استخراج شده به کار می‌روند. این قبیل ساخت‌ها که گویشوران بر صورت و کاربرد آن اجماع دارند را عبارت‌های فرمولواره‌ای می‌نامند. صورت فرمولواره‌ها قابل پیش‌بینی است و برخی معنای اصطلاحی دارند و به نظر می‌رسد که به‌طور ثابت و یا توده‌های نیمه‌ثابت در ذهن ذخیره گشته‌اند. مثال‌هایی از قبیل به پای هم پیر شین (شادباشی خطاب به یک زوج جوان)، شکر میان کلامت (عذرخواهی هنگام قطع کلام کسی)، با زحمت‌های ما (تشکر از زحمت‌های مخاطب)، هر چه خاک اوست عمر شما باشه (در هنگام صحبت از یک فرد متوفی)، همیشه به گشت (آرزوی بهروزی برای مسافر از سفر برگشته)، روم به دیوار (عذرخواهی هنگام صحبت از یک تابوی فرهنگی)، یکی بود یکی نبود (کلیشه‌ای برای آغاز داستان) مشتاق دیدار (احوالپرسی با مسافر برگشته از سفر)، بعد ۱۲۰ سال (تصوری دلسوزانه در مورد فوت کسی و بعد آن)، چهاردیواری اختیاری (بیان تحکم‌آمیز در باب اختیار داشتن فرد در حیطه خانه خود)، عافیت باشه (آرزوی عافیت برای کسی که حمام بوده/ عطسه کرده است)، وقت خواب (خوش‌ویش با فردی که تازه از خواب بیدار شده است)، مادرزنت دوستت داره (خطاب به فردی که هنگام غذا خوردن دیگران سر می‌رسد)، و غیره از نمونه‌های فرمولواره‌های وابسته به بافت (Situation-bound formulae) در فارسی می‌باشند. فرمولواره‌ها در مطالعات زبانی نقطه مقابل ویژگی خلاقیت زبانی می‌باشند، اگرچه خلاقیت از جمله توانایی‌های انکارناپذیر زبان بشر می‌باشد، اما در بسیاری موارد شیوه ارجح بیان مطالب نیست. ظاهراً زبان تنها هنگامی به استفاده از ویژگی خلاقیت روی می‌آورد که هیچ ساختی از قبل موجود در انبار خود نداشته باشد. فرمولواره‌ها عبارت‌هایی هستند که اگرچه ممکن است دگرگفت‌هایی بالقوه داشته باشند، اما معمولاً بر تمامی این دگرگفت‌ها ترجیح داده می‌شوند. به عبارت دیگر، فرمولواره‌ها از یک مجموعه انتخاب‌هایی بسیار محدود در میان تمامی جایگزین‌هایی که قواعد گفتمان، نحو، صرف، و واژگان مجاز می‌شمارند استفاده می‌کنند. فرمولواره‌ها

برخلاف جنبه‌های زبانی رفتار زبانی، افشاء کننده جنبه‌های تقلیدی (imitative) این رفتار می‌باشند.

۱.۱ تعریف زبان فرمولواره‌ای

پژوهشگران پدیده زبان فرمولواره‌ای را به شیوه‌های گوناگون تعریف کرده‌اند، اما تعریفی که با اقبال عام روبرو گشته از سوی (ری^۱ ۲۰۰۲: ۹) مطرح شده است. وی در حدود ۶۰ اصطلاح را به کار می‌برد که در آثار زبان‌شناسان برای ارجاع به این پدیده به کار رفته است. برخی از این اصطلاحات عبارت‌اند از: زبان فرمولواره‌ای، گفتار فرمولواره‌ای (formulaic speech) توده‌های تجزیه نشده گفتار (unanalyzed chunk of speech) ستاک‌های واژگانی شده جمله (lexicalized sentence stem)، عبارات منجمد (frozen phrases) کلیشه‌ها (clichés)، صورت‌های فسیل شده (fossilized form)، صورت‌های قراردادی (conventionalized form)، پاره‌گفتارهای آماده (readymade utterances).

ری از این میان اصطلاح توالی فرمولواره‌ای (formulaic sequence) را برای اشاره به این پدیده به کار می‌برد و آن را این‌گونه تعریف می‌کند:

توالی‌ای پیوسته و یا گسسته از واژه‌ها و یا دیگر عناصر زبانی که آماده و از پیش ساخته شده هستند، یعنی به‌طور یکجا در حافظه ذخیره هستند و در هنگام استفاده به‌جای اینکه توسط دستور زبان تولید و تحلیل شوند به صورت واحدی کلی از حافظه بیرون کشیده می‌شوند.

۲.۱ گونه‌های مختلف فرمولواره‌ها

همان‌گونه که اشاره شد هر عبارتی که گویشوران در هنگام به‌کارگیری زبان، آن را از قبل در ذهن خود داشته باشند و نیازی به تولید آن نداشته باشند را می‌توان یک فرمولواره دانست، لذا فرمولواره را می‌توان یک اصطلاح پوششی دانست که شامل موارد متعددی از قبیل اصطلاحات، باهم‌آیی‌ها، ضرب‌المثل‌ها، گفته‌ها و اشعار حکمت‌آمیز، کلیشه‌ها، دعاها و نیایش‌ها، عبارات‌های وابسته به بافت، عبارات‌های نیمه‌کاره، و غیره را شامل می‌شوند. به‌عبارت‌دیگر هر ساخت زبانی که با صورت و فرمولی ثابت در موقعیتی خاص توسط سخنگویان با اجماع بکار رود جزء فرمولواره‌ها محسوب می‌شوند. ساخت‌های نیمه‌کاره

دارای فرمولی زیربنایی هستند که بر مبنای آن بی‌نهایت عبارت جدید می‌توان خلق کرد. مانند عبارت همه...ها به طرف، ... هم به طرف.

فرمولواره‌ها همچنین می‌توانند شیوه‌ای خاص برای بیان مفهومی خاص باشند (بدون اینکه هیچ واژه‌ای در آن‌ها ثابت باشند). به‌عنوان نمونه، عبارت‌های زیر را در نظر بگیرید که همگی برگرفته از یک فرمول زیربنایی واحد هستند:

- یکی به نعل میزنه، یکی به میخ.

- مهمان از مهمان بدش می‌آید، صاحب‌خانه از جفتشان.

- نه این پادشاهی به تو می‌مونه، نه این گدایی به ما.

هم از آخور می‌خورد، هم از تو بره. توصیف ساختاری: دو جمله پیاپی، زمان هردو جمله حال ساده دارای ساختار موضوعی یکسان، محذوف بودن فعل جمله دوم به قرینه لفظی. همان‌طور که مشاهده شد در آن‌ها هیچ عبارتی ثابت و تکرارشونده نیست.

۳.۱ جایگاه زبان فرمولواره‌ای در برابر عبارت بدیع

عبارات بدیع نقطه مقابل فرمولواره‌ها هستند به این معنا که هیچ‌یک از اجزای آن‌ها از قبل ساخته شده نیست و همگی در لحظه بیان و با استفاده از دستور زبان تولید می‌شوند. برخلاف فرمولواره‌ها که اجزای ثابت دارند و همواره می‌بایست به همان صورت ثابت بیان شوند، تنها محدودیت ناظر بر تولید عبارات بدیع همان قواعد دستوری زبان و ملاحظات کاربردشناختی است. برای روشن شدن موضوع به مثال‌های زیر توجه کنید؛ عبارت‌های زیر به ترتیب فرمولواره ثابت، نیمه ثابت، و جمله بدیع می‌باشند:

۱. وصف العیش، نصف العیش.

۲. رفیق داریم تا رفیق.

۳. معلم درس فیزیک دیروز گذرنامه‌اش را تمدید کرد.

تفاوت جمله اول و جمله سوم در این است که در بیان جمله گروه اول گوینده با نوعی اجبار و محدودیت مواجه است، به‌گونه‌ای که می‌بایست همین واژه‌ها را به همین ترتیب به کار ببرد و معمولاً اجازه هیچ‌گونه دخل و تصرف واژگانی را ندارند. به‌عنوان مثال نمی‌توان به‌جای واژه وصف و نصف از واژه‌های مترادف مانند توصیف و نیم یا غیره استفاده کرد و

اینکه ترتیب عبارت را نیز نمی‌توان بر هم زد و نمی‌توان از عبارت " نصف‌العیش، وصف‌العیش " استفاده کرد. به عبارت دیگر فرمولواره‌های ثابت تنها دارای محور هم‌نشینی بوده و جایگزینی هیچ‌یک از عناصر را با عناصر مترادف دیگر جایز نمی‌شمارند. اما در جمله سوم انواع و اقسام دخل و تصرف‌ها، حذف، و جایگزینی‌ها مجاز می‌باشد. یعنی می‌توان به جای واژه معلم، گذرنامه، و دیروز به ترتیب از واژه‌های دبیر و پاسپورت و روز گذشته استفاده کرد، یا واژه درس را کلاً حذف کرد و یا جمله را به صورت مبتداسازی شده و یا اسنادی بیان کرد و درعین حال بازهم جمله طبیعی و دستوری باشد. جمله دوم به لحاظ نظری نقطه تلاقی دو عبارت اول و سوم می‌باشد. شباهت آن به جمله نخست در بخش‌های ثابت آن (... داریم تا ...) و همچنین محدودیت‌گزینش مقوله اسم / گروه اسمی (در اینجا اسم جنس) به تنها عنوان مقوله واژگانی که می‌تواند جایگاه تھی را پُر کند، می‌باشد. اما این عبارت شباهتی نیز به جمله سوم دارد و آن آزادی عملی است که گوینده در انتخاب گروه اسمی دارد، به گونه‌ای که هر بار می‌تواند یک گروه اسمی دیگر را جایگزین آن نماید و معنایی موازی با عبارت قبلی به دست آورد. یعنی از آنجایی که فرمول ... داریم تا ... به منظور برجسته‌سازی یک گروه اسمی نسبت به سایر مصداق‌های آن دارد، لذا اگرچه هر بار که با به‌کارگیری این فرمول زیربنایی گروه اسمی متفاوتی در آن درج می‌کنیم اما عبارت حاصل بازهم کارکرد برجسته‌سازی خواهد داشت.

۲. پیشینه تحقیق

از زمان معرفی مفهوم "توانش" توسط چامسکی پژوهش‌ها بر روی فراگیری زبان دوم بر اهمیت فرایند خلاق و قاعده بنیاد متمرکز بوده‌اند (میلِس^۱، هوپر^۲، و میچل^۴ ۱۹۹۸).

علیرغم این غفلت در آثار زبان‌شناسان، توالی‌های فرمولواره‌ای همواره جایگاهی حیاتی را در ارتباط بشری به ویژه در تولید گفتار سلیس و اصطلاحی داشته‌اند (بایر^۵، کانرد^۶، و کورتس^۷ ۲۰۰۴). شواهدی معینی از کاربرد توالی‌های فرمولواره‌ای به‌عنوان راهبرد آموزشی کودکان در دست می‌باشد. به نظر می‌رسد که فراگیری زبان اول و دوم در کودکان عمدتاً توجه به توالی‌های فرمولواره‌ای در درونداد زبانی، به‌کارگیری آن‌ها، و تقسیم‌بندی و تجزیه آن‌ها به عناصر کوچک‌ترشان در مراحل بعد می‌باشد. تجزیه آن‌ها ممکن است در مراحل بعدی و در نتیجه‌ی رشد عصب‌شناختی و افزایش حاصله در مهارت‌های شناختی تحلیلی باشد (وود^۸ ۲۰۰۲).

پژوهش‌هایی که در زمینه‌ی تأثیر فرمولواره‌ها در فراگیری زبان کودکان انجام شده عموماً از نظر ماهیت مطالعات طولی (longitudinal studies) بوده‌اند.

میلز، هوپر، و میچل (۱۹۹۸) در مطالعه‌ای که با عنوان "طوطی‌وار یا قاعده بنیاد" مشهور است نقش فراگیری طوطی‌وار فرمولواره‌ها را در آموزش زبان بررسی کردند. آن‌ها داده‌هایی از ۱۶ کودک نوآموز فرانسه را در یک مطالعه‌ی طولی بررسی کردند و از این طریق رخدادهای تعداد محدودی واحدهای واژگانی بزرگ را پس از آموزش آن‌ها، طی دو سال رصد کردند. آن‌ها می‌خواستند تکه‌سازی و به‌کارگیری مجدد اجزای این توالی‌ها را در شکل‌گیری ظرفیت خلاق زبان نشان دهند. داده‌های آن‌ها نشان داد که زبان‌آموزان نه تنها توالی‌های نخستین را تجزیه کرده بودند، بلکه اجزای آن توالی‌ها را به‌طور زیاده در خلق عبارت‌های جدید بکار گرفته بودند.

وینرت^۹ (۱۹۹۵) در پژوهشی توصیفی نقش فرمولواره‌ها را در فراگیری زبان دوم بررسی کرده است. وی با به‌کارگیری رویکردهای گوناگون و ارجاع فراوان به شیوه‌ی فراگیری و به‌کارگیری زبان اول سه نقش عمده برای فرمولواره‌ها قائل شده است؛ راهبرد ارتباطی، تولیدی، و یادگیری. وی استدلال می‌کند که مهم‌ترین تکلیف پرداختن به موانع نظری و روش‌شناختی پیرامون تعریف و تشخیص فرمولواره‌ها و قرار دادن شأن مطالعاتی آن‌ها در یک چارچوب نظری کلان و منسجم می‌باشد. وی تحقق این امر را در اتخاذ به نظریه‌هایی می‌داند که مرز قاطع بین دانش و به‌کارگیری زبان را کنار می‌نهند.

بنابر پژوهش پیترز^{۱۰} (۱۹۸۳) کودک در ابتدایی‌ترین مراحل شیوه‌هایی را به‌منظور استخراج تکه‌های معنادار از جریان مکالمه بکار می‌گیرد. وی قادر است که آن‌ها را به یاد آورد، به لحاظ واج‌شناختی آن‌ها را با دیگران مقایسه کند، و آن‌ها را به‌عنوان واحدهای واژگانی جدید به ذهن بسپارد. آن‌ها به‌صورت واحدهای کلی در واژگان ذخیره می‌گردند. بعدها، پس از اینکه وی به رشد شناختی کافی دست‌یافت قادر خواهد بود تکه‌های ذخیره‌شده را تجزیه کند و سپس الگوهای ساختاری و اطلاعاتی در خصوص طبقات توزیع آن‌ها که توسط تجزیه مشخص شده است را شناسایی و به ذهن بسپارد.

بانس^{۱۱}، بورمیستر^{۱۲}، و فوگِل^{۱۳} (۱۹۸۶) فراگیری زبان دوم گروهی از کودکان را بررسی کرده و شواهدی از فرایند تکه‌سازی (desegmentation) فرمولواره‌ها یافتند. آن‌ها دو عامل کاربردشناختی مشخص را در کاربرد فرمولواره‌ها توسط کودکان کشف کردند؛ نخست

چارچوب‌های موقعیتی که کاربرد آن‌ها را ایجاب می‌کند، و دیگری بسامد رخداد فرمولواره‌ها.

بولندر^{۱۴} (۱۹۸۹) در مطالعه‌ای که در خصوص فراگیری زبان سوئدی توسط بزرگسالان انجام داد دریافت که توالی‌های فرمولواره‌ای موجب تسهیل و صرفه‌جویی فراوان در امر فراگیری و به‌کارگیری زبان می‌شوند. در این بررسی طولی مشاهده گشت که بزرگسالان پیوسته واحدهای زبانی از پیش ساخته شده که دربردارنده ساخت‌های زبان مقصد بودند را بسیار زودتر از آنکه خود آن ساخته را یاد بگیرند، بکار می‌بردند (به‌عنوان مثالی در فارسی می‌توان گفت که آن‌ها قبل از اینکه ساختار شرطی نوع اول را بیاموزند عبارت اگر پشت گوشت رو دیدی، ... رو هم می‌بینی را فراگرفته به کار می‌بردند).

الیس^{۱۵} (۱۹۹۶) در بررسی بر روی کاربرد فرمولواره‌ها در فراگیری زبان دریافت که این توالی‌ها نقش ویژه‌ای در فراگیری زبان بزرگسالان دارند. وی بیان می‌دارد که بخش اعظمی از فراگیری زبان در واقع فراگیری توالی‌های از برشده هست، و اینکه تکرار و تمرین آن‌ها در کوتاه‌مدت موجب شکل‌گیری اطلاعات (صرفی، نحوی، معنایی و غیره) مربوط به توالی در فراگیری زبان می‌شود.

۳. روش تحقیق

داده‌های این پژوهش به روش‌های گوناگون گردآوری شده‌اند. بخش زیادی از داده‌ها از پایگاه داده‌های زبان فارسی، وب‌گردی با کمک کلیدواژه‌ها، مشاهدات شخصی، زنجیره‌های تلویزیونی، و گزارش‌های ورزشی گردآوری شده است. برای تحلیل داده‌ها نیز نخست از شمّ زبانی گویشوران متعدد و همچنین از فرهنگ‌های لغت بهره گرفته‌ایم. این پژوهش در دو بخش انجام شده است. نخست به بررسی فرمولواره‌های ثابت و وابسته به موقعیت و مثال‌هایی از آن و کاربرد آن در آموزش زبان فارسی پرداخته‌ایم. بخش دوم به بررسی فرمولواره‌های نیمه ثابت (زایا) می‌پردازد و نقش آن‌ها را در آموزش زبان می‌کاود. رویکرد این مقاله به بررسی فرمولواره‌ها توصیفی (نظریه ختی) بوده و کوشیدیم تا حد امکان از اصطلاحات رایج معنی‌شناختی و تحلیل گفتمان بهره گیریم.

۴. بررسی، توصیف، و تحلیل انواع فرمولواره‌ها

فرمولواره‌ها را می‌توان به دو گونه اصلی ثابت / از پیش ساخته (prefabricated) و زایا / نیمه‌پیش ساخته (semi-prefabricated) تقسیم‌بندی کرد.

۱.۴ فرمولواره‌های ثابت

فرمولواره‌های ثابت همان‌طور که از نامشان پیداست عبارت‌هایی در حد چند واژه با ترتیب ثابت بوده که معمولاً به بافت و موقعیت خاصی تعلق دارند و تشخیص این ارتباط در واقع بخشی از گویشوران نسبت به زبانشان می‌باشد. این ساخت‌ها نشان‌دهندهٔ اجماع اهل زبان بر سر کاربرد یک صورت خاص در یک موقعیت فرهنگی اجتماعی معین می‌باشد. رابطه بین فرمولواره‌های ثابت و بافت متناسب با آن‌ها رابطه‌ای دوسویه می‌باشد که هرکدام دیگری را تداعی می‌کنند. به‌عنوان مثال فرمول‌واره "عم آخرتون باشه" یک مجلس ترحیم را تداعی می‌کند، و از سوی دیگر حضور در یک مجلس ترحیم نیز فرمولواره مذکور را به ذهن متبادر می‌سازد. تفاوت این قبیل فرمولواره‌ها با اصطلاحات (که به باور نگارنده هر دو از موارد متعدد فرمولواره‌ها می‌باشند) در این است که اصطلاحات در واقع نوعی دگرگفت برای یک گزارهٔ عادی می‌باشند که بدون آن‌ها نیز نظام زبان دچار مشکل نمی‌شود، زیرا معادل تحت‌اللفظی اصطلاحات که قطعاً قدمت بیشتری نسبت به اصطلاحات دارند به‌خوبی می‌توانند همان گزاره‌ها را بیان کنند. اما در خصوص فرمولواره‌ها چنین نیست. چنانچه فرضاً فرمولواره‌های وابسته به موقعیت را با دگرگفت‌شان جایگزین کنیم ساختی غیرطبیعی به دست می‌آید که معمولاً خوشایند اهل زبان نیست. به‌عنوان مثال تصور کنید که فردی خطاب به زوجی جوان بجای عبارت (به‌پای هم پیر شوید) از عبارت (امیدوارم در کنار همدیگر سالمند گردید) استفاده کند. در آثار فکاهی به‌وفور مشاهده می‌کنیم که طنزپردازان به‌منظور ایجاد موقعیت طنز یا واژه‌های یک فرمولواره را با مترادف آن‌ها جایگزین می‌کنند و یا به‌کلی فرمولواره‌ای را در موقعیتی نابجا بکار می‌برند. آنچه در ادامه می‌آید فهرستی مختصر از فرمولواره‌های ثابت فارسی به همراه برخی کاربردهای متداول آن‌ها می‌باشد:

- رسیدن به خیر / همیشه به گشت (خطاب به مسافر برگشته از سفر)

- خدا بد نده (در عیادت یا احوالپرسی از فردی مصدوم یا مجروح)

- روم به دیوار (عذرخواهی هنگام بیان یک تابوی فرهنگی)
- نایب‌الزیاره باشید (درخواست دعا و نیابت زیارت به زائری که به زیارت می‌رود)
- نه حرف من نه حرف تو (برای رسیدن به توافق بر سر قیمت در معامله)
- گلاب به فوتون (عذرخواهی بابت بیان یک تابوی فرهنگی)
- در پناه خدا/ به امید دیدار (هنگام وداع)
- با زحمت‌های ما (تشکر از کسی که اخیراً زحمتی یا دردسری برای او داشته‌ایم)
- فردا هم روز خداست (مجاب کردن کسی برای ادامه کاری در روز بعد)
- خدا از دهانت بشنود (تأیید کسی که حرف دل ما را می‌زند)
- از خدا که پنهان نیست از شما چه پنهان (هنگام افشای یک راز یا مطلب خصوصی)
- شما که غریبه نیستی (بیان یک حرف خصوصی)
- خدایا مرزش/ ما را تو غمتون شریک بدانید/ انشالله تو شادی‌هاتون شرکت کنیم/ هر چی خاک او نه عمر شما باشه (تسلی فرد عزادار)
- تو رو به خیر و ما رو به سلامت
- پارسال دوست امسال آشنا (اشاره به مدت طولانی ندیدن کسی در هنگام احوال‌پرسی)
- این تن بمیره (نوعی قسم برای درخواستی و یا قبولاندن سخنی)
- حرف مرد یکیه (پافشاری بر اظهارات پیشین)
- خیر از شما (قرار ادامه کاری را گذاشتن)
- صدسال به این سال‌ها (احوال‌پرسی‌های مناسبتی؛ هنگام نوروز)
- نماز روزه‌ها قبول (احوال‌پرسی مناسبتی؛ در ماه رمضان)
- بر یزید لعنت (احوال‌پرسی مناسبتی؛ در ماه محرم)
- انشالله صدویست ساله بشی (احوال‌پرسی مناسبتی؛ در جشن تولد)
- مادر نزیایده (بیان غیرممکن بودن انجام کاری به باور گوینده)
- شیری یا روباه (پرس‌وجو از کسی درباره پیامد کاری)
- (ولی) خودمونیم... (قبل از بیان حقیقتی کتمان شده و این‌که گوینده از مخاطب می‌خواهد آن را فاش نسازد)

- نوش جان، جای شما خالی، دوستان بجای ما، نمک نداره، نمک‌گیر نمی‌شین، نسیه داده نمی‌شود حتی به شما، چشمم کف پات و غیره.

۲.۴ نقش فرمولواره‌های ثابت در آموزش زبان

نگارنده بر این باور است که برای روشن شدن نقش فرمولواره‌ها در آموزش زبان ابتدا می‌بایست به این پرسش پرداخت که شأن وجودی فرمولواره‌ها در زبان چیست و چرا زبان چنین ساخت‌هایی را در خود تنیده است؟ در پاسخ به این پرسش بایست گفت که ما روزمره در دنیای خارج از زبان با موقعیت‌های اجتماعی بسیار تکرارشونده‌ای روبرو هستیم. در طول یک روز ممکن است به دفعات بسیار با افراد مختلف در مناسبت‌های مختلف (از قبیل سلام و احوال‌پرسی، وداع، معذرت‌خواهی، سرزنش، انتقاد، شوخی، تهدید، تمجید، تعارف، همدردی و غیره) تعامل زبانی داشته باشیم. اگر قرار بود که برای هر موقعیت تکرارشونده عبارتی بدیع و خلاق‌الساعه تولید کنیم آنگاه امر ارتباط بسیار مشکل و پیچیده می‌گردید. از این رو، ویژگی صرفه زبانی ایجاب می‌کند که زبان برای رویارویی با موقعیت‌های اجتماعی تکرارشونده ساخت‌هایی از پیش آماده را در اختیار داشته باشد تا بتواند به راحتی در بافت‌های خاص امر ارتباط را پیش ببرد. برای روشن شدن ضرورت فرمولواره‌ها در زبان کافی است زبانی فرضی فاقد فرمولواره را با زبانی طبیعی مقایسه کرد. چنین زبانی اگرچه واژگان تک‌لایه و بسیار محدودتری دارد و به همین دلیل بار بسیار کمتری بر دوش حافظه نهاده است اما در عوض می‌بایست در تمامی موقعیت‌ها عبارات جدید و خلاق‌الساعه را از صفر تولید کند که متضمن فشار و تکلف زیادی بر قوه نطق می‌باشد. در واقع می‌توان گفت که تکلف تولید و پردازش عبارات بدیع و خلاق‌الساعه در نزد زبان به حدی بوده است که زبان‌های بشری به خاطر سپردن حجم عظیمی از عبارات‌های از پیش ساخته شده جهت استفاده در موقعیت‌های تکرارشونده را بدان ترجیح داده است. به باور نگارنده فرمول‌وارگی را می‌توان ویژگی ذهن بشر دانست که در اعمال و رفتار انسان بازتاب‌های گوناگون دارد و زبان فرمولواره‌ای را می‌توان بازتاب این ویژگی در پدیده زبان دانست.

کاربرد فرمولواره‌های ثابت در بحث آموزش زبان را می‌توان از چند منظر بررسی کرد. نخست آنکه، با آموزش این فرمولواره‌ها در بافت واقعی برگرفته از پیکره و توصیف دقیق موقعیت زبانی / غیرزبانی آن‌ها، زبان‌آموزان در موقعیت‌های اجتماعی گوناگون، به جای اینکه

به عبارتی از نزد خود بیندیشند (که غالباً شبیه آنچه گویشوران بومی بیان می‌کنند نیست)، عبارتی صحیح و بجا در اختیار داشته باشند که قویاً مورد اجماع اهل زبان است و بدین ترتیب یک گام بزرگ به سوی روانی و سلاست و گفتار گویشورگونه (native like) برداشت. این کار غالباً به کمک خرده‌گفتمان (mini discourse) انجام می‌شود. خرده‌گفتمان مکالمه‌ای کوتاه بین دو یا چند مشارک است که زمینه‌ی به‌کارگیری فرمولواره را می‌چیند و سپس فرمولواره مشخص در موقعیت کاملاً صحیح و بجای خود بکار می‌رود. یعنی با کمک خرده‌گفتمان نشان دهیم که فرضاً عبارت‌های نمک‌پرورده/یم، نیکی و پرسش، شنونده باید عاقل باشد، دقیقاً در چه موقعیتی بکار می‌روند. این ایده در بسیاری از کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی نیز به‌خوبی نمایان است (به‌عنوان مثال ر.ک. مجموعه کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی Tune In تألیف پروفیسور ریچاردز^۶).

مورد دیگر اینکه بسیاری از فرمولواره‌ها که در موقعیت‌های گوناگون بکار می‌روند پاسخی فرمولوار نیز دارند که آن نیز مورد اجماع اهل زبان است.

نگارنده با تجربه‌ی سال‌ها تدریس زبان انگلیسی همواره شاهد اهمیت موضوع فوق در نزد زبان‌آموزان انگلیسی بوده است. به‌عنوان مثال اینکه در هنگام احوالپرسی / خداحافظی عبارت‌های زیر در حالت پاسخی کاملاً قراردادی دارند:

- What's up?
- Catch you later?
- How have you been?
- How's it going?
- Bye for now.

لازم به ذکر است که بانک داده‌های این پژوهش پاسخ‌های مناسب هر فرمولواره را گردآوری کرده که می‌توان در قالب خرده‌گفتمان در اختیار فارسی‌آموزان قرارداد. مانند فرمولواره‌های الف و برخی پاسخ‌های ب در زیر:

الف: احوال شما (چطوره)؟ ب: ممنون/ الحمدلله/ خدا رو شکر

الف: خسته نباشید! ب: مانده نباشی!/ سلامت باشید!

الف: خوش گذشت؟ ب: جای شما خالی

الف: کوچولوتون خوب هستند؟ ب: دست‌بوس شماست.

الف: سلام برسونید. ب: سلامت باشید/ بزرگی تون رو می‌رسونم

الف: خداحافظ/ خدانگهدار ب: در پناه خدا/ به سلامت

الف: خدا بد نده! ب: بد نبینی!

الف: التماس دعا ب: محتاجیم به دعا

الف: قبول باشه! ب: قبول حق باشه!

الف: نمک نداره. ب: نمک پرورده‌ایم

الف: تشریف داشتید. ب: صاحب تشریف باشید.

الف: خدا (پدر) شما رو رحمت کند! ب: خدا اموات شما رو هم بیامرزه/ خدا همه

اموات رو رحمت کنه.

موارد فوق حقیقتاً مشتتی از خروار عظیم ساخت‌های پیش‌ساخته فارسی هستند که

پاسخ‌هایی حاضر و آماده در نزد اهل زبان دارند که با طبقه‌بندی و آموزش آنها به فارسی

آموزان می‌توان گامی عظیم در جهت روانی گفتار اصطلاحی آنها برداشت.

گونه دیگر فرمولواره‌هایی هستند که تنها در بافت‌های غیرزبانی خاص خود بکار

می‌روند، مانند:

حلال‌زاده پیدایش شد (اشاره به کسی که در هنگام صحبت در مورد وی ناگهان

سر می‌رسد)

عافیت باشه (طلب عافیت برای کسی که عطسه کرده/ حمام بوده است)

قبول باشه (خطاب به کسی که از نماز فارغ است)

مادرزنت دوستت داره (خطاب به کسی که هنگام صرف غذا سر می‌رسد)

شکر میان کلامت (عذرخواهی هنگام قطع کردن کلام دیگری)

آب نطلبیده مراد (تعارف کردن آب به کسی که اظهار تشنگی نکرده به فال نیک گرفته

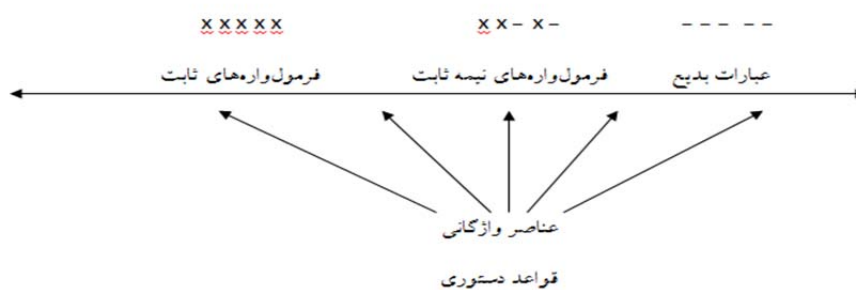
می‌شود)

گردآوری و توصیف این قبیل بافت‌ها برای به‌کارگیری صحیح این فرمولواره‌ها از

مواردی است که به

۳.۴ فرمولواره‌های نیمه ثابت (زایا)

فرمولواره‌های زایا به ساخت‌هایی گفته می‌شود که دارای برخی جایگاه‌های ثابت و برخی جایگاه‌های تهی می‌باشند که با عناصری از یک مقوله واژگانی خاص پُر می‌شوند. اگر پیوستاری را در نظر بگیریم که زبان بدیع در یک سوی آن و عبارت‌های کاملاً از پیش ساخته شده در سوی دیگر آن باشند، آنگاه فرمولواره‌های نیمه‌پیش ساخته را می‌توان حدفاصل این دو نوع ساخت دانست، زیرا بخشی از اجزای آن‌ها ثابت و برخی دیگر متغیرند. نمودار ۱ که به انگاره‌ی پردازش دوسطحی (dual process modal) معروف است این وضعیت را به خوبی نشان می‌دهد.



نمودار ۱. وضعیت ساختاری فرمولواره‌های ثابت، نیمه‌ثابت، و عبارت‌های بدیع: قواعد واژه-واجی حرکتی و درج واژه (ونلنکر سیدتس به نقل از کوریگان و همکاران ۲۰۰۹: ۴۶۴)

در این نمودار X ها نمایانگر عناصر ثابت و - ها نمایانگر عناصر متغیر می‌باشند. این نمودار نشان می‌دهد که در خصوص فرمولواره‌های ثابت با عناصری کاملاً از قبل آماده بر روی محور هم‌نشینی سروکار داریم، در حالیکه در گفتار بدیع هرگونه تغییری را می‌توان بر روی محور جانشینی ایجاد کرد و عبارت‌های متنوعی به دست داد. در حد وسط این نمودار نیز فرمولواره‌های نیمه‌ثابت را داریم که دربردارنده ویژگی‌های مربوط به هر دو سوی پیوستار می‌باشند. هر فرمولواره زایا دارای یک توصیف ساختاری (structural description) (ویژگی‌های نحوی، معنایی، و کاربردشناختی عناصر ثابت و متغیر آن‌ها) و یک توصیف معنایی (semantic description) (معنایی که یک گویشور از آن فرمولواره در ذهن دارد) می‌باشد. در آثار زبان‌شناسان غربی به هر عبارت و یا جمله‌ای که از یک فرمولواره زایا ساخته می‌شود، تصریف (inflection) آن فرمولواره می‌گویند و اگر علاوه بر عناصر اصلی فرمولواره، قسمت‌های اختیاری دیگری نیز به تصریف افزوده شود به آن بسط

(extension) آن فرمولواره گفته می‌شود. در ادامه می‌آید چند نمونه از توصیف ساختاری (فرمول زیربنایی) و توصیف معنایی به همراه برخی ملاحظات کاربردشناختی فرمولواره‌های زایا به همراه مثال‌های واقعی برگرفته از پیکره می‌آید.

الف:

- توصیف ساختاری: داریم تا (هر دو جای خالی توسط گروه اسمی یکسانی پر می‌شود)

- توصیف معنایی: گوینده با به کار بردن این ساخت اعلام می‌دارد که اگرچه دو شیء، موضوع، پدیده و ... که توسط گروه اسمی بیان شده‌اند از یک نام برخوردارند اما دارای ویژگی‌ها و کیفیت‌های بسیار متفاوتی نسبت به یکدیگر دارند، به طوری که یکی بسیار برتر از دیگری است و از این رهگذر نوعی برجسته‌سازی انجام دهد.

به باور نگارنده فرمولواره‌هایی از این دست می‌توانند به تعداد گروه‌های اسمی موجود در زبان فارسی تصریف داشته باشند. به بیان دیگر، یک فارسی‌زبان با دانستن فرمول زیربنایی این فرمولواره و محدودیت‌های حاکم بر آن، می‌تواند بی‌نهایت عبارت جدید بیان کند. به‌عنوان نمونه:

آدم داریم تا آدم، رفیق داریم تا رفیق، گفتن داریم تا گفتن.

ب:

- توصیف ساختاری: حالا و کی (جایگاه اول با توسط یک فعل نهی و جایگاه دوم توسط یک فعل امر از مصدری واحد پُر می‌شود).

- توصیف معنایی: گوینده با استفاده از این ساخت این نکته را اراده می‌کند که فاعل این توالی، عملی را برای مدتی نسبتاً طولانی و یا دفعات بسیار با شدت و حدت فراوان و بدون وقفه انجام داده است.

(دستش رو گذاشت روی بوق)، حالا بوق نزن و کی بوق بزن

(سرش رو گذاشت رو شونه مادرش)، حالا گریه نکن و کی گریه کن

(داشتم خواب می‌دیدم دارم با یه نفر دعوا می‌کنم)، حالا نزن و کی بزن

پ:

- توصیف ساختاری: که نیست، است.

- توصیف معنایی: گوینده بر این باور است که گروه اسمی مذکور بسیار متفاوت با حدّ و عرف طبیعی خود است. وی برای بیان مفهوم خود این گروه اسمی را با یک گروه اسمی دیگر که در ادامه جمله می‌آید برابر می‌کند تا از این طریق احساس خود را به شنونده القا کند.

بچه که بچه نیست، زلزله است.

ماشین که ماشین نیست، هیولاست.

رو که رو نیست، سنگ پای قزوینه.

ت:

- توصیف ساختاری: همانا، (و) همان (جایگاه اول توسط عبارت زمینه‌چین و جایگاه دوم توسط عبارت نتیجه پُر می‌شود) عبارت نتیجه همواره ناخواسته و خارج از کنترل فاعل جمله اول می‌باشد.

- توصیف معنایی: گوینده بیان می‌دارد که دو عمل بلافاصله پس از یکدیگر رخ دادند، و یا اینکه بین عمل اول و دوم رابطه علّت و معلول برقرار است.

شوخی بی‌جا همانا و راهی بیمارستان شدن همان.

پارتی گرفتن همانا و پایین آمدن سقف خانه همان.

- توصیف ساختاری: همه ... ها به طرف، ... به طرف (جایگاه نخست توسط یک گروه اسمی و جایگاه دوم توسط یک نمونه خاص از آن گروه اسمی و یا بخشی از آن پُر می‌شود)

- توصیف معنایی: گوینده بر این باور است که گروه اسمی دوم (که خود در واقع نوعی و یا بخشی از گروه اسمی اول می‌باشد) از تمام انواع گروه اسمی اول به نوعی برتر است.

همه عشق‌ها به طرف، حرم مولا به طرف.

همه دنیا به طرف، خنده عشقم به طرف.

همه تیم‌ها به طرف، لیورپول به طرف.

- توصیف ساختاری: نه به ... نه به ... (جایگاه‌های اول و دوم به دو وضعیت به باور گوینده کاملاً عکس یکدیگر اشاره دارند).

- توصیف معنایی: گوینده با اشاره به نوعی افراط و تفریط مخاطب را مورد انتقاد قرار می‌دهد.
نه به اون پناستی گرفتنت، نه به این لایی خوردنت.
نه به اون گران کردن برق، نه به این هدیه‌ها.
نه به اون شوری شور، نه به این بی‌نمکی.
- این دیگه برای (ضمیر فاعلی / اسم / صفت ملکی) بشو نیست / نبود. (هر دو جایگاه توسط گروه اسمی یکسانی پُر می‌شود).
- توصیف معنایی: گوینده گله‌مندی و عدم رضایت، و ناامیدی خود را نسبت به کیفیت / کارایی / قابلیت، دوام و ... گروه اسمی مورد نظر بیان می‌دارد.
این دست دیگه برات دست بشو نیست.
دیگه این گوشی برام گوشی بشو نبود.
نخیر، این کیبورد دیگه برای ما کیبورد بشو نبود.
- توصیف ساختاری: هم قدیم. (هر دو جایگاه توسط گروه اسمی یکسانی پُر می‌شود و گروه اسمی دوم اگر عام باشد مفرد، و اگر خاص باشد جمع می‌باشد).
- توصیف معنایی: گوینده بر این باور است مصداق‌هایی از گروه اسمی که در گذشته موجود بوده بسیار بهتر از نمونه‌های کنونی آن‌ها بودند.
مرد هم مردهای قدیم.
عشق هم عشق‌های قدیم.
شیراز هم شیراز قدیم.
- توصیف ساختاری: یه میگم، یه می‌شنوی (هر دو جایگاه توسط گروه اسمی یکسانی پُر می‌شوند).
- توصیف معنایی: گوینده بایان این توالی اظهار می‌دارد که ویژگی‌های گروه اسمی مذکور بسیار فراتر و متفاوت از آنچه است که در این گفتمان بیان می‌شود.
یه فسنجون می‌گم یه فسنجون می‌شنوی!
یه چیز میگم، یه چیز می‌شنوی.
- توصیف ساختاری: بی (هر دو جایگاه توسط گروه اسمی یکسانی پُر می‌شود).

غذا بی غذا، اجازه بی اجازه، پول بی پول

- توصیف معنایی: گوینده به مخاطب خود اعلام می‌کند که با درخواست یا پیشنهاد وی قویاً مخالف است.

- ملاحظات کاربردشناختی: به لحاظ کاربردشناختی در بیان این ساخت نوعی تحکم و برتری جایگاه در گفتمان وجود دارد. منظور از تحکم این است که هرگز یک شخص فرودست نمی‌تواند این ساخت را خطاب به یک شخص بالادست بکار ببرد، مثلاً یک دانش‌آموز نمی‌تواند با این ساخت معلم خود را خطاب کند. به باور نگارنده عدم آموزش چنین ملاحظات کاربردشناختی به زبان‌آموزان می‌تواند منجر به تولید جملات نابجا و گستاخانه می‌گردد.

- توصیف ساختاری: هم است/ بود. (هر دو جایگاه توسط گروه اسمی یکسانی که شامل عدد و معدود می‌باشد پُر می‌شود).

- توصیف معنایی: گوینده بر این باور است که داشتن/ به دست آوردن/ برخوردار بودن چیزی به میزان عدد و معدود ذکر شده از نبود آن بسیار بهتر است، و به چشم یک حداقل بهتر از هیچ به آن می‌نگرد.

تو این بی‌پولی دو تومن هم دو تومنه.

دو روز هم دو روزه.

ده متر هم ده متره.

۴.۴ فرمولواره‌ها چگونه موجب روانی گفتمان می‌شوند؟

فرمولواره‌ها به شیوه‌های گوناگون می‌توانند تولید و پردازش زبانی را تسهیل کنند و موجب روانی امر گفتمان شوند که در اینجا تنها به یک نوع آن اشاره می‌شود. به‌عنوان مثال فرمولواره زیر را به همراه یک تصریف آن در نظر بگیرید.

... یه طرف، ... یه طرف

مثال: همه ماشین‌ها یه طرف، پاجیرو یه طرف.

همان‌گونه که هر فارسی‌زبانی می‌داند، کارکرد گفتمانی این فرمولواره برجسته‌سازی گروه اسمی است که در جایگاه تَهِ دوم می‌آید. یعنی باور گوینده بر این است که پاجیرو (گروه اسمی دوم) از تمام انواع ماشین‌ها (گروه اسمی اول) به‌نوعی برتر است. به باور

نگارنده هر گویشور فارسی زبان دانشی نسبتاً برابر از هر یک از این توالی‌های فرمولواره‌ای دارد و این بخشی از دانش زبانی آن‌هاست. به عبارت دیگر شنونده معنا و کارکرد گفتمانی هر یک از این توالی‌ها را می‌داند اما برای این که معنا و مفهوم مورد نظر گوینده را درک کند، تنها کافی است بداند که چه عناصر زبانی‌ای در جایگاه‌های خالی این توالی فرمولواره‌ای قرار می‌گیرند. در یک قیاس نه‌چندان دقیق می‌توان فرمولواره‌های زایای گفتار را به خطوط آهن تشبیه کرد که قطار را به مسیری از پیش تعیین شده رهنمون می‌شوند و باینکه قطار و خطوط آهن ثابت هستند اما مسافری می‌توانند هر بار تغییر کنند. اگر بپذیریم که شنونده و گوینده هر دو دانشی برابر نسبت به این فرمولواره دارند و اگر این ساخت را از محل قرار گرفتن ویرگول به دو قسمت تقسیم کنیم، به محض اتمام قسمت اول فرمولواره از سوی گوینده، شنونده ماهیت آن را می‌شناسد و دانش خود را نسبت به آن فعال می‌کند، این در حالی است که گوینده هنوز قسمت دوم را تولید نکرده است. در این لحظه شنونده به درستی درمی‌یابد که گوینده به داشتن نوعی ویژگی خاص و نوعی برتری در مورد گروه اسمی واقع در ابتدای قسمت دوم قائل است و می‌خواهد آن گروه اسمی را در گفتمان برجسته سازد. شنونده همچنین می‌داند که گروه اسمی واقع در ابتدای قسمت دوم فرمولواره می‌بایست یک نمونه خاص (و یا جزئی) از گروه اسمی واقع در قسمت اول باشد، یعنی پاجیرو یک نوع ماشین است. شنونده حتی می‌داند که پس‌از این گروه اسمی در راه تولید می‌بایست ادامه فرمولواره بیاید که عبارت است از: گروه اسمی دوم + یه طرف. جان کلام این که تمامی فعالیت‌های لازم جهت پردازش این فرمولواره در پایان قسمت اول و قبل از تولید قسمت دوم از سوی شنونده صورت گرفته و او فقط و فقط منتظر است تا بداند تحقق واژگانی این گروه اسمی واقع در جایگاه تهی دوم چیست تا پردازشش از کل توالی کامل شود. به عبارت دیگر شنونده در پایان قسمت اول این توالی:

- فرمولواره را شناسایی کرده است.
- دانش خود را نسبت به آن فعال کرده است.
- به باور گوینده در مورد برتری گروه اسمی دوم نسبت به همه انواع گروه‌های اسمی که مورد اشاره جایگاه تهی اول می‌باشند پی برده است.
- کارکرد گفتمانی این فرمولواره که نوعی برجسته‌سازی گروه اسمی دوم است را دریافته است.

- الف: یعنی اونجا بیست نفر آدم نیست؟!
الف: دو میلیون داری به من قرض بدی؟
الف: آدم نمی‌دونه کدوم حرف تو رو باور کنه.
الف: آدم نباید نمک‌شناس باشه.
الف: به ما سر نمی‌زنی!
الف: چقدر مامانت چاقه؟!
الف: طلبکاری؟!
الف: ناراحتی؟
الف: مواظب شوهر ما باش!
ب: هوای خواهر ما رو داشته باش!
الف: کبری میگه این دختره زشته.
الف: خودمونیم، دانشگاهتون خیلی شیر تو شیره.
الف: آخه اینجوری مسئولیت من زیاد میشه.
الف: گفتند قول می‌دهیم سروقت پرداخت کنیم.
الف: عاطفه‌ات کجا رفته؟! یه گربه کشته‌شده اونوقت ما بریم شام بخوریم؟!
ب: انقدر بدبختیم که یه ماشین نداریم.
الف: دستم درد می‌کنه.
الف: بابا، بنده خدا سواد نداره.
ب: بگو یه نفر.
ب: بگو یه قرون.
ب: (آخه) آدم چه ربطی داره به تو؟!
ب: آدم چه ربطی به این داره؟!
ب: نه که شما خیلی به ما سر می‌زنی!
ب: نه که مامان شما خیلی لاغره!
ب: همچین بدهکار هم نیستیم.
ب: خوشحال هم نیستیم.
ب: شوهر شما باید مواظب ما باشه.
ب: خواهر شما باید هوای ما رو داشته باشه.
ب: کبری خودش خیلی خوشگله؟!
ب: دانشگاه شما خیلی سر و صاحب داره؟!
ب: اوه، چقدر هم تو مسئولیت‌پذیری؟!
ب: چقدر هم اونها خوش‌قول‌اند.
ب: حالا ما شام نخوریم گربه زنده می‌شه؟!
ب: یعنی آگه یه ماشین داشته باشی خوشبخت میشی؟!
ب: دستت درد می‌کنه، زبانت که درد نمی‌کنه!
ب: سواد نداره، شعور که داره.

الف: من از رانندگی زن‌ها خیلی می‌ترسم.
ب: خیلی خجالت کشیدم.
الف: حاجی کمکم نکردیا!
ب: خجالت هم داره!
الف: من به کسی تهمت نزدم.
ب: کمک دیگه چه جوریه؟!
الف: این دختره خوشبخت شدا!
ب: تهمت دیگه چه جوریه؟!
الف: ایران کشور آزادیه؟
ب: تا خوشبختی رو تو چی بدونی.
الف: اکبر عروسی نیومد؟
ب: تا آزادی رو تو چی بدونی.
ب: اکبر کدوم عروسی رو اوامد که اینجا رو بیاد؟!

الف: درددل‌هاتو کردی؟
ب: آدم با برادرش درد دل نکنه با کی بکنه؟
عبارت‌هایی که در قسمت ب آمده‌اند همگی دارای فرمولی زیربنایی هستند که می‌توان در اختیار زبان‌آموزان گذاشت، و تمریناتی از نوع فرضاً پُر کردن جای خالی (در مراحل مبتدی)، و ساختن کل عبارت مربوط به مشارک دوم (در مراحل پیشرفته) را تدوین نمود. به باور نگارنده فراگیری فرمولواره‌های زایای مربوط به مشارک دوم می‌تواند به زبان‌آموزان کمک کند تا در موقعیت‌های واقعی پاسخ‌هایی اصطلاحی و گویشورگونه و درعین حال کاملاً دستوری داشته باشند.

در بحث آموزش زبان یکی از مهارت‌هایی که زبان‌آموزان در دستیابی به آن همواره با چالش روبرو هستند تولید جملات کاملاً جدید و درعین حال دستوری و گویشورگونه می‌باشد. به عبارت دیگر زبان‌آموزان اگرچه ممکن است دستور زبان را نسبتاً خوب بدانند، اما بازهم یا جملات تقلیدی کتاب‌های درسی را ارائه می‌کنند و یا اگر جمله‌ای از خود می‌سازند، یا دستوری نیست یا حتی اگر دستوری باشد، معمولاً شبیه به آنچه گویشوران بومی بیان می‌کنند نیست (پاولی و سایدر ۱۹۸۳: ۱۴)

به باور نگارنده یکی از روش‌های فائق آمدن بر بخشی از این مشکل، آموزش فرمولواره‌های زایای فارسی به همراه مثال‌های متعدد از هرکدام به زبان‌آموزان است. زیرا همان‌گونه که بیان شد هر فرمولواره زایا دارای تعدادی جایگاه‌های ثابت و برخی جایگاه‌های تهی می‌باشند که توسط عناصری از یک مقوله نحوی خاص پُر می‌شوند. و نیز گفته شد هر فرمولواره زایا دارای یک توصیف ساختاری و یک توصیف معنایی می‌باشد.

نگارنده بر این باور است که با معرفی فرمول زیربنایی فرمولواره‌ها زبان‌آموزان می‌توانند همانند گویشوران بومی بی‌نهایت تصریف صحیح بیان می‌کنند. یکی از دلایل تأکید نگارنده بر ضرورت چنین پژوهش‌هایی نبود این قبیل اطلاعات معمولاً در فرهنگ‌های لغت کنونی می‌باشد.

۵. نتیجه‌گیری

پرواضح است که فرمولواره‌ها نقش مهمی در فرایند فراگیری و تولید زبان دارند. آن‌ها ابتدا ظاهراً به صورت کلی فراگرفته می‌شوند سپس اجزای آن‌ها تکه‌تکه شده و در ساخت‌های جدید به کار می‌روند.

پژوهش حاضر به معرفی اجمالی پدیده‌ی زبان فرمولواره‌ای و موارد مختلف آن در فارسی پرداخت. در ادامه ضمن ارائه مثال‌هایی برگرفته از پیکره، نقش این ساخت‌ها در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان را توصیف کرد. داده‌های پیکره‌ای نشان می‌دهند که فرمولواره‌های فارسی تقریباً در تمامی بافت‌های فرهنگی - اجتماعی تکرار شونده (از قبیل سلام و احوال‌پرسی، وداع، معذرت‌خواهی، سرزنش، انتقاد، شوخی، تهدید، تمجید، تعارف، همدردی و غیره) به کار می‌روند. لذا می‌توان این‌گونه اظهار داشت که تدوین مواد آموزشی با تأکید بر توالی‌های فرمولواره‌های ثابت و نیمه ثابت گامی ولو کوچک در راستای آموزش زبان فارسی و ارتقا سلاست و روانی زبان‌آموزان می‌باشد. از دستاوردهای این پژوهش می‌توان به این نکته اشاره کرد که با بررسی فرمول زیربنایی عبارت‌های نیمه‌کاره توانستیم خویشاوندی ساخت‌هایی که در ظاهر واژه‌هایی متفاوت داشتند را نشان دهیم و تأکید کنیم که علیرغم این تفاوت در ظاهر آن‌ها دارای فرمول زیربنایی یکسانی هستند:

آدم داریم تا آدم / رفیق داریم تا رفیق / خونه داریم تا خونه

و با بررسی استقرایی (inductively) و مشاهده ساخت‌های متعدد برگرفته از فرمول‌های یکسان و فراگیری قیاسی (deductively) توصیف ساختاری آن‌ها می‌توان به کفایت تولیدی آن‌ها دست یافت. دستاورد دیگر توصیفی این پژوهش کمک به پاسخ به پرسش معروف در خصوص ماهیت و میزان دانش منسوب به گویشور بومی هر زبان می‌باشد. بررسی پدیده زبان فرمولواره‌ای نشان داد که گویشوران علاوه بر دانستن عبارت‌های طولانی در حد جمله و یا بیشتر (مانند ضرب‌المثل‌ها)، فرمول‌های زیربنایی فراوانی (به همراه توصیف ساختاری و

معنایی آنها) نیز در ذهن دارند که بخشی از دانش آنها نسبت به زبانشان می‌باشد و به کمک آن می‌توانند عبارتهای فراوانی تولید کنند.

نکته پایانی اینکه ضرورت تألیف فرهنگ‌هایی به‌منظور توصیف انواع عبارتهای فرمولواره‌ای (اعم از ثابت و زایا) در فارسی برای استفاده زبان‌آموزان و مترجمین عمیقاً احساس می‌شود.^{۱۷}

پی‌نوشت‌ها

1 A. Wray

2 Myles

3 Hooper

4 Mitchell

5 D. Biber

6 S. Conard

7 V. Cortes

8 D. wood

9 weinert

10 Peters

11 Bahns

12 Burmeister

13 Vogel

14 Bolander

15 N. C. Ellis

16 J.C.Richards

۱۷. پروفیسور کوپیر استاد زبان‌شناسی دانشگاه کتربری نیوزلند که بیش از چهار دهه است در باب فرمولواره‌ها قلم می‌زند، در مکاتبه شخصی با نگارنده بیان داشت که اطلاعات مربوط به فرمولواره‌های انگلیسی نیز در فرهنگ‌های لغت عمومی این زبان موجود نمی‌باشد و اصولاً هیچ فرهنگ تخصصی‌ای در زبان انگلیسی به توصیف فرمولواره‌های این زبان نپرداخته است.

کتاب‌نامه

- انوری، حسن (۱۳۸۲)، فرهنگ فشرده‌ی سخن، تهران: سخن.
- پایگاه داده‌های زبان فارسی (۱۳۹۴)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- کاوه، مجتبی (۱۳۹۰)، بررسی، توصیف و تحلیل زبان فرمولواره‌ای در فارسی (ساخت‌های نیمه‌کاره)، رساله کارشناسی ارشد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- میرزاده اهری، مصطفی، (دانش‌آموخته‌ی دکتری زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، (۱۳۹۴) مصاحبه‌ی حضوری.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۷۸)، فرهنگ فارسی عامیانه، تهران: نیلوفر.
- ورتنیکوف، الکساندر (۱۳۸۰)، برخی ساخت‌های نحوی قالبی‌شده در زبان فارسی، ترجمه‌ی محسن شجاعی، مجله‌ی زبان‌شناسی، سال ۱۶ شماره‌ی اول، شماره‌ی پیاپی ۳۱.
- وفایی، وحید (۱۳۹۱)، توصیف و تحلیل عبارات از پیش‌ساخته شده در فارسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام‌نور، تهران.

- Bahns, J., Burmeister, H., & Vogel, T. (1986). The pragmatics of formulas in L2 learner speech: Use and development. *Journal of Pragmatics* (10, 693-723)
- Biber, D., Conrad, S. & Cortes, V. (2004). 'If you look at lexical bundles in university teaching and textbooks'. *Applied Linguistics*
- Bolander, M. (1989). Prefabs, patterns and rules in interaction? Formulaic speech in adult learners' L2 Swedish. In K. Hyltenstam, & L.K. Obler (Eds.), *Bilingualism across the lifespan: Aspects of acquisition, maturity, and loss* (pp. 73-86). Cambridge, UK: Cambridge University Press
- Ellis, N.C (1996). Sequencing in SLA: Phonological memory, chunking, and points of order. *Studies in Second Language Acquisition*, 18,91-126.
- Hatami, Sarvenaz, PhD Candidate of Linguistics (2015), Alberta University, personal correspondence.
- Hickey, T. (1993). Identifying formulas in first language acquisition. *Journal of Child Language*,
- Keckes, Istvan, (2003), *Situation-Bound Utterances in L1 and L2*. Berlin: Mouton de Gruyter.
- Kuiper, Koenraad, (2015), University of Canterbury, personal correspondence.
- Nick C. Ellis & Rita Simpson-Vlach, *An Academic Formulas List (AFL): Corpus Linguistics, Psycholinguistics, and Education*. University of Michigan
- Pawley, Andrew & Frances Syder (1983), "Two puzzles for linguistic theory: Native like selection and native like fluency", In *Language and communication*, J. C. Richards & R.W. Schmidt (Eds), London: Longman, (pp. 191-227)
- Peters, AM. (1983). *Units of language acquisition*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.

- Quirk, Randolph, Geoffrey Leech & Jan Svartvik (1972), *a Grammar of Contemporary English*, Cambridge: CUP. (pp. 411-413)
- Saberi, Koroush (2014), *Routine Politeness Formulae in Persian: A Socio-Lexical Analysis of Greetings, Leave-taking, Apologizing, Thanking and Requesting*, (PhD thesis), University of Canterbury, News land.
- Schmitt, Norbert and Carter Roland, "Formulaic sequences in action", Norbert Schmitt (2004), *Formulaic Sequences*, Amsterdam, the Netherlands, John Benjamins Publishing Co. (1-22)
- Van Lancker Sidtis, Diana. "Formulaic and Novel Language in a 'Dual Process' Model of Language Competence", Corrigan, R. et al. (2009), *Formulaic Language: volume 2: acquisition, loss, psychological reality, and functional Explanations*, Amsterdam, the Netherlands John Benjamins Publishing Co.(445-470).
- Wood, D. 2002. Formulaic language in acquisition and production: Implications for teaching. *TESL Canada Journal* (20: 1-15)
- Wray, Alison, (2002), *Formulaic Language and the Lexicon*, Cambridge: CUP.
- Wray, Alison, (2014) Cardiff University, personal correspondence